



فرآیند نظارت بر دستگاه‌ها و اشخاص حکومتی در نظام مبتنی بر حاکمیت الهی با نگاهی به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

محمد مهدی رسکتی^۱ و علی بابایی مهر*^۲ و سید عسکری حسینی مقدم^۳

چکیده

یکی از مهمترین انواع حاکمیت در طول تاریخ، تفکر حاکمیت الهی بوده است و از آنجا که مدعی نوع صحیح حکومت می‌باشد باید نظارت‌های حکومتی آن هم کامل و جامع الاطراف باشد. آشنایی دقیق با تفکر شیعیان در باره‌ی حاکمیت الهی با در نظر گرفتن شرایط امروزی که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر پایه آن بنا شده است تلفیق قابل تاملی است و می‌تواند در بررسی‌های تطبیقی مورد بهره‌برداری قرار گیرد تا یک گام دیگر در راستای نزدیک شدن به عدالت در حکومت داری برداشته شود. این نظریه در طول تاریخ مورد سوء استفاده قرار می‌گرفت و با رنگ خواست خداوند، هر گونه بی‌عدالتی بر مردم تحمیل می‌شد. اما در حاکمیت واقعی الهی، هرگز خواست خداوند بر گسترش ظلم و ستم نبوده است لذا میان نظارت کردن بر حکومت و حق الهی حاکمیت، تضادی وجود نداشته است. ابزارهای متعددی برای کنترل حاکمان جامعه در نظر گرفته شد تا مسیر عدالت دچار انحراف نشود. در دیدگاه حاکمیت الهی ابتدا تمرکز بر نظارت‌های درونی افراد است و سپس بر نظارت‌های بیرونی تاکید می‌شود و علاوه بر تشکیلات حکومتی کنترل والیان، مردم نیز در این خصوص ذی حق بوده و تاکید بر مشارکت فعالانه آنها در پیشبرد امور حاکمیتی است. همچنین مطابق اصول دینی، استفاده از تجارب بشری با ملاحظه‌ی شرایط زمانی و مکانی نیز جایز شناخته شده است.

کلید واژه: نظارت، حاکمیت، اسلام، رهبری، جمهوری اسلامی ایران

^۱ - دانشجوی دکتری حقوق عمومی: گروه حقوق، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران، resketi@yahoo.com

^۲ - استادیار گروه حقوق عمومی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران * نویسنده مسئول

^۳ استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی-فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران

مقدمه (طرح مسئله)

از دیرباز به کنترل حاکمان و ایجاد تعادل در رابطه حکومت کنندگان و حکومت شوندگان با دیدگاه‌های مختلف نگریسته می‌شد و آراء مختلفی در این باره وجود داشت. اما امروزه نظارت بر اعمال حکومت و نقش فعال مردم برای جلوگیری از فساد نهاد قدرت، موضوع پذیرفته شده‌ی عقلی در بین تمام اندیشمندان؛ خصوصاً علمای حقوق و علوم سیاسی است. از طرف دیگر نظامات مبتنی بر حاکمیت الهی دارای مشروعیت آن جهانی هستند و با انتساب به خداوند و معصومین، در هاله‌ای از تقدس قرار دارند و از این جهت بحث نظارت بر آنها می‌تواند مورد تردید واقع شود. بنابراین مسئله این است که اعمال نظارت بر اعمال حکومت و ایجاد رابطه منطقی میان قدرت سیاسی و حقوق فرودستان در چنین نظاماتی چگونه صورت خواهد پذیرفت؟

در یکی از پژوهش‌ها در رابطه با بررسی پارادوکس نظارت و مشروعیت سیاسی گفته می‌شود که توهم تضاد نظارت و مشروعیت الهی که می‌تواند بر مبنای اندیشه سیاسی رایج مسیحیت صواب جلوه کند، هرگز در حوزه اندیشه سیاسی اسلامی قابل تطبیق نیست. طبق مبانی اندیشه سیاسی اسلامی، در کنار مشروعیت الهی حاکمان و حق حاکمیت آنها، حق نظارت مردم نیز از سوی مبدأ تمامی حقوق به رسمیت شناخته شده است. در حقیقت لب اشکال پارادوکس، توهم آن است که حق نظارت مردم، از حاکمیت حاکمان سرچشمه می‌گیرد، در حالی که چنین نیست، بلکه مبدأ تشریحی الهی، به عنوان سرچشمه تمامی حقوق، در عرض یکدیگر دو حق جعل کرده است؛ از یک سو حق حاکمیت را برای حاکمان به رسمیت شناخته و از سوی دیگر برای مردم حق نظارت بر اعمال آنها را جعل و تأیید کرده است. در نظام سیاسی اسلام، سخن از حقوق یک طرفه حاکمان نیست، بلکه مسیری دو طرفه طراحی شده است به عنوان «حقوق متقابل دولت و ملت». (جعفرپیشه، ۱۳۸۳، ۴۵) در پژوهشی دیگر تحت عنوان «راهکارها و ابزار نظارت بر حاکمیت در حکومت اسلامی» نشان داده می‌شود که ابزارهای متعددی برای این نظارت وجود دارد که حتی دیگر الزامی به بهره‌گیری از راهکارهای طراحی شده در سایر مکاتب فکری هم نخواهد بود. اگر چه راهکارهای سایرین می‌تواند به عنوان مکملی برای نظارت‌های دینی به شمار بیایند. (صلاحی و جهرمی، ۱۳۹۲، ۵۱) همچنین در مقاله‌ای علمی پژوهشی با عنوان «نظارت بر اعمال حکومت در جمهوری اسلامی ایران» به این نتیجه می‌رسند که مهمترین نوع نظارت در جمهوری اسلامی نظارت عالی رهبر بر قوای سه گانه مجریه، مقننه و قضائیه است و بقیه نظارتها در درجات مختلف و نازلتر به نهادهای دیگر تفویض شده است. (رنجبری و مولوی، ۱۳۹۶، ۹)

ضرورت مباحث یاد شده از آنجا ناشی می‌شود که لازمه صیانت از کرامت ذاتی انسان، محافظت از او در برابر مداخلات نابجای قدرت است. لذا نظارت روشمند و تشکیلاتی در نظامات حکومتی به عنوان امری مطلوب ارزیابی می‌گردد و از آنجا که در جهان امروز برخی از کشورها به نام ایدئولوژی یا دین حکومت می‌کنند و مشروعیتشان از سرچشمه‌ای غیر از مردم است لزوم این بحث، بیشتر نمایان می‌گردد. نوآوری این نوشتار در آن است که روش‌های درون دینی و برون دینی را با توجه به مقتضیات روز و تجربیات جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار می‌دهد

تا هم روش‌های موجود مورد نقد و آسیب‌شناسی قرار گیرند و هم راه‌حل برون رفت از مشکلات احتمالی یافت گردد.

روش مطالعه مورد نظر این نوشتار، کتابخانه‌ای است و فرض را بر این گرفته که نظارت بر حکومت دینی وجود دارد ولی از آنجا که جوامع کنونی بسیار پیچیده و گسترده هستند و نظامات بین‌المللی هم بر میزان اقتدار حاکمیت‌های ملی تاثیر گذاشته است نیاز به تحول و اجتهاد جدی در رابطه میان بالادستی‌ها و پایین‌دستی‌ها است و اساساً روش‌های سنتی و قدیمی نظارت، موجب تردید در اصل وجود کنترل در این گونه سیستم‌ها شده است.

ساختار پژوهش حاضر از پنج قسمت تشکیل می‌شود. ابتدا جایگاه نظارت از نظر اسلام تبیین می‌شود سپس نظارت‌های درونی و نظارت‌های بیرونی و نظارت‌های امروزی و جدید مورد مذاقه است و پس از آن نظارت‌های قانون اساسی فعلی جمهوری اسلامی ایران مورد توجه قرار می‌گیرد و در نهایت به جمع‌بندی ختم می‌شود.

۱- جایگاه نظارت بر حاکمان در اندیشه سیاسی اسلام

اصولاً شرایع آسمانی بر روی اعتلای فردی و تربیت نفس ناطقه‌ی انسانی متمرکز شده‌اند. تمام امور حتی توجه به اجتماع، به خاطر رشد شخصیت او است. مشخصاً اگر چه در نظرگاه اسلامی، خداوند در نقطه‌ی مرکزی عالم قرار دارد و بر اثر شعاع نور باریتعالی؛ سایر عناصر و موجودات جهان شکل گرفته اند لکن از نگاه خلیفه‌اللهی به انسان، این موجود نه بالذات و در عرض حضرت حق؛ بل بالعرض و در طول نقطه پرگار هستی؛ در مرکز عالم قرار دارد و همه چیز به دور او در گردش است. حال سوال این است که آیا بدون کنترل و نظارت دقیق، موجود سرکشی مانند انسان به رشد و تکامل می‌رسد؟ با این پرسشگری، متوجه این معنا معنی شویم که اصولاً اسلام با امور دلبخواهی فراتر از قواعد و باز گذاشتن و مطلق‌العنان پنداشتن آدمیزاد موافق نیست. بنابراین منطقی نیست که برداشتی از دین ارایه دهیم که در آن حاکمان با حکومت دلخواه به حکمرانی بپردازند که این نقض غرض اولیه خواهد بود. حکومت دینی راهی است برای شکوفایی هر چه بیشتر استعدادهای انسانی. با این نگاه اگر حاکمیت دینی دچار تباهی شود، طبیعتاً و به تبع آن مردمان نیز در تباهی شدیدتری گرفتار خواهند شد که خلاف خواسته پروردگار است. توجه به این نکته هم لازم است که به نظر می‌رسد حکومت‌های فاسد منتسب به خداوند، به مراتب اثرات مخرب تری بر مردم دارند تا حکومت‌های غیر دینی فاسد. چون مردم، این گونه حکومت‌ها را دارای ادعای پاکی می‌دانند و در آن به چشم‌الگو می‌نگرند. بنابراین شارع مقدس باید برای تامین راستی و درستی پایه‌های حکومت الهی، تهمیدات بیشتری را پیش‌بینی کرده باشد. حتی ممکن است انجام برخی امور حلال نیز برای حاکمان الهی با محدودیت‌هایی روبرو شود. حضرت علی (ع) خطاب به حاکم بصره عثمان ابن حنیف می‌نویسد: «اگر بخواهم به غسل مصفا و مغز گندم و جامه‌های ابریشمین، دست می‌یابم. ولی، هیئات که هوای نفس بر من غلبه یابد و آزمندی من مرا به گزینش طعام‌ها بکشد. آیا به همین راضی باشم که مرا امیرالمؤمنین گویند و با مردم در سختی‌های روزگارشان مشارکت نداشته باشم؟ (نهج البلاغه، نامه شماره ۴۵)

در مجموع برای تحت نظر قرار دادن امور در حکومت دینی، حداقل چهار نوع نظارت مهم در مدیریت اسلامی قابل شناسایی است. ۱- باور به نظارت خداوند در کار انسان و اینکه هیچ کجا مخفی از نظر او نیست. ۲- تکیه بر وجدان بیدار انسان و تلاش هوشمندانه در شعله‌ور کردن آن تا از درون به سرزنش و نکوهش آدمی پردازد و جلوی افعال ناشایست را بگیرد. (عذاب وجدان) ۳- قائل بودن به حق نظارت عمومی برای همه‌ی مردم ۴- نظارت سازمانی.

حکومت در نزد شیعیان به دو دوره‌ی پیش از غیبت کبرا (زمان حضور معصوم) و پس از غیبت کبری تقسیم می‌شود و نظارت در حاکمیت الهی در دو سطح مهم قابل ارزیابی است: نظارت در راس هرم حاکمیت و نظارت در سایر بخش‌ها. البته مهمترین نظارت مربوط به حاکم اسلامی می‌باشد. در واقع هم چگونگی نظارت بر خود حاکم و هم نظارتهایی که از سوی حاکم بر سایرین صورت می‌گیرد حائز اهمیت است. بررسی وضعیت نظارت بر شخص اول حاکمیت در دوران حضور معصومین از موضوع بحث این نوشتار خارج است. این پژوهش بر روی حکومت غیرمعصوم متمرکز است. بنابراین اگر شخص اول دولت کشور، از خطا و اشتباه مصون نیست و نیازمند نظارت است چگونه مورد بازرسی است؟

۲- نظارت در محدوده راس هرم حاکمیت

دو موضوع مهم در این مبحث، کنترل ورودی و کنترل خروجی است. تلاش اولیه در حاکمیت الهی؛ با گزینش جدی حاکمان، مبتنی بر پیشگیری از فساد است و در درجه بعدی، نظارت بر اعمال حاکمان مد نظر قرار می‌گیرد. اما در حکومت‌های غربی از آنجا که خوب بودن و بد بودن انسان‌ها از اساس انکار شده است و ملاک و معیار سنجش درستی و نادرستی، شخص انسان معرفی شده است لذا بجای حساسیت بر روی ورودی و گزینش عمیق حاکمان، صرفاً بر نظر اکثریت و یا احزاب بسنده کرده و در عوض؛ تمرکز خود را بر روی خروجی قرار داده‌اند. مثلاً در فرانسه، هر فرانسوی که در روز رأی گیری انتخابات ریاست جمهوری به سن ۲۳ سال تمام رسیده باشد. (شیخ الاسلامی، ۱۳۸۰، ۱۰۲) مشروط بر اینکه تعداد ۵۰۰ نفر از نمایندگان مجلس ملی، سنا و اعضاء شورای اقتصادی و اجتماعی و یا شوراهای ولایتی و شهرداری‌ها او را معرفی نمایند می‌تواند کاندید ریاست جمهوری شود. (عرفانی، ۱۳۷۳، ۷۱)

۲-۱- نظارت بر خود حاکم

مسائل مطروحه در راس هرم حاکمیت، کاملاً قابل پیش بینی نیست و بر اساس شرایط موجود تا حدود زیادی سیال و بسته به مصالح جمعی متغیر است. لذا تفکر حاکمیت الهی، در شرایط «ورودی» بسیار سختگیرانه عمل کرده و در «خروجی» بنا را بر اعتماد قرار داده است. در این بخش از حاکمیت یا باید انسان معصوم و مصون از خطا قرار بگیرد یا کسانی که تا حد امکان به زندگی معصومین نزدیک شده باشند و حداقل احتمال فساد، در آن‌ها باشد. اگر چنین انسانی یافت شد باید به او اعتماد کرد. بنابراین به جای اینکه نظارت شدید بر خروجی و عملکرد حاکم باشد

نظارت بر «اوصاف حاکم» و شرایط سنگین، برای عهده‌داری این مسئولیت پیش‌بینی شده است. در واقع گفته می‌شود که اگر طبیب، حاذق و صالح بود به تشخیص او تمکین می‌کنیم.

در این باره رئیس قوه قضاییه جمهوری اسلامی ایران در جلسه ۹۴/۹/۲۳ مسئولان عالی قضایی به مواد ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰ و ۱۱۱ قانون اساسی و اصل ۵ آن درباره شرایط، صفات و ویژگی‌های رهبری در نظام جمهوری اسلامی ایران اشاره کرده و می‌گوید: «مطابق قانون اساسی تشخیص دارا بودن شرایط رهبری و یا فقدان این شرایط بر عهده خبرگان رهبری است و طبیعی است که مقوله تشخیص؛ از نظارت جداست و این دو تلازمی با هم ندارد. نظارت مجلس خبرگان بر رهبری مانند این است که بگوییم که افراد در مقام تقلید از مراجع، چون باید شرایطی همچون (اعلم بودن یا مجتهد مطلق بودن) یا عدالت را در مرجع تقلید احراز کنند، پس بر وی نظارت دارند! سخنی که بطلان آن روشن است. چون وظیفه مقلد تشخیص ویژگی‌ها و صفات مرجعیت است.» (آملی لاریجانی، ۱۳۹۴، خبرگزاری قوه قضاییه جمهوری اسلامی ایران) البته مقام رهبری در جلسه‌ی پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر در مورخه ۱۳۷۹/۱۲/۹ می‌گوید: «من نظارت را دوست می‌دارم و از گریز از نظارت به شدت گله‌مندم. بر خود من هم هر چه بیشتر نظارت کنند، خوشحال‌تر هستم. هیچ‌کس فوق نظارت نیست. خود رهبری هم فوق نظارت نیست؛ چه برسد به دستگاه‌های مرتبط با رهبری. بنابراین همه باید نظارت شوند. نظارت بر کسانی که حکومت می‌کنند لازم است چون حکومت به طور طبیعی به معنای تجمع قدرت و ثروت است؛ یعنی اموال بیت‌المال و اقتدار اجتماعی و اقتدار سیاسی در دست بخشی از حکام است. برای این که امانت به‌خرج دهند و سوء استفاده نکنند و نفسشان طغیان نکند، نظارت؛ یک کار لازم و واجب است.» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۷۹) از طرف دیگر عده‌ای استدلال می‌کنند که «نظارت بر شرایط رهبری» از نظر مفهومی با «نظارت بر عملکرد رهبری» متفاوت است، اما در مقام عمل آیا می‌توان بدون نظارت بر عملکرد رهبر، بر تداوم شرایط و صلاحیت‌های رهبری صحنه گذاشت؟ لذا یکی از کمیسیون‌های مجلس خبرگان، کمیسیون تحقیق (هیأت تحقیق) است که دو وظیفه‌ی عمده دارد: مشاوره به رهبری و نظارت و بررسی عملکرد رهبری و نهادهای زیر نظر رهبری. اما در مجموع می‌توان از نظرات مختلف در باره نظارت بر رهبری، به این نتیجه رسید که نظارت بر رهبری نمی‌تواند از جنس نظارت بر سایر دستگاه‌ها باشد. در واقع نظارت در این جا از آن جهت است که عملکرد رهبری منتهی به خروج از عدالت یا از دست دادن یکی از اوصاف رهبری نشود نه این که خود تصمیم‌گیری و مدیریت رهبری مورد استیضاح قرار گیرد.

۲-۲- نظارت حاکم بر زیرمجموعه

از آنجا که در نظرگاه دینی حاکمیت واقعی از آن خداوند است لذا دیگران نه بالذات بلکه به امانت، عهده‌دار حکومت می‌گردند. «در نگرش مادی ممکن است مدیریت، صرفاً امانتی اجتماعی تلقی بشود، اما این امانت در بینش الهی؛ سه ضلعی است: امانت خدا، امانت مردم و امانت حاکمان در سلسله مراتب اداری. البته این امانت‌ها طولی و ترتیبی است و ریشه آن، امانت الهی و به دنبال آن، امانت اجتماعی و مردمی و سپس امانت از سوی فرادستان در

سلسله مراتب مسؤولیت است.» (اعرافی، ۱۳۸۷) از منظر قرآنی، یکی از شرایط مهم در هر کاری امانت داری است و لو اینکه قصد استخدام یک کارگر ساده را داشته باشیم تا چه رسد به طبقه حکومت کنندگان. خداوند در داستان حضرت موسی (ع) می‌فرماید: یکی از آن دو دختر گفت: ای پدر! او را اجیر بگیر و استخدام کن! چرا که بهترین کسی است که اجیر و استخدام می‌کنی. هم نیرومند و هم امین و در خور اعتماد است. (قصص، ۲۸، ۲۶) حضرت علی (ع) در نامه‌ای خطاب به اشعث بن قیس (استاندار منطقه بزرگ منطقه آذربایجان) می‌نویسد: کاری که به عهده توست نانخورش (طعمه و لقمه‌ای چرب) نیست؛ بلکه امانتی است بر گردنت که در پاسداری از آن باید مافوق خویش را پاسخگو باشی. (نهج البلاغه، نامه پنج) همچنین بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران در این باره خطاب به کارگزاران نظام می‌گوید: شما الان یک امانتی دستتان هست باید حفظش کنید، آن امانت جمهوری اسلامی است. (موسوی خمینی، ۱۲، ۳۵۹) لذا مبنای نظارت حاکم بر عهده‌داران مصادر حکومتی، از همین جا نشات می‌گیرد تا به وسیله این کنکاش، در امانت یاد شده خیانت نشود.

تجربه تاریخی حکومت دینی در زمان پیامبر اسلام (ص) و حضرت علی (ع) حاکی از کنترل و نظارت‌های دقیق و گسترده ایشان در بخش‌ها مختلف حکومت است. خصوصاً در زمان حضرت علی (ع) که تشکیل شبکه خبر رسانان، شبکه مخفی زنان نظامی آموزش دیده، نامه‌های خطاب و عتاب و بخشنامه‌های حضرت به عمال حکومتی و ... حاکی از نظارت جدی حاکم در جای جای دستگاه حکومتی است. لذا ضمن پذیرش این حق برای مسئول جامعه‌ی اسلامی، این سوال مطرح می‌شود که آیا در حال حاضر با توجه به گستردگی جمعیتی و پیچیدگی امور و تشکیلات حکومتی و آلات و ادوات جدید التاسیس جرایم بالادستی، امکان احاطه کامل بر امور، و اعمال چنان نظارتی امکان‌پذیر است؟ آیا می‌توان تمام نظارت‌های مهم را به رهبری ختم نمود؟ پاسخ آنکه بدون تحقیق و بررسی هم می‌توان به حجم عظیم نظارت‌های لازم پی برد که کنترل آن از عهده‌ی فردی یک شخص خارج است. بنابراین در شرایط کنونی اولاً باید تعریف جدیدی از نظارت حاکم، بر مسایل حکومتی به دست داد و ثانیاً نظارت‌های دیگر را که از طرف سایر دستگاه‌های حکومتی تعبیه می‌شود را پررنگ‌تر کرد. در مجموع عمده نظارت‌های سازمانی در حکومت اسلامی بر پایه دو مدل آشکار و مخفی قرار گرفته است. خود نظارت آشکار هم گاهی مستقیم و گاهی غیر مستقیم است.

۲-۲-۱- نظارت و کنترل آشکار

۲-۲-۱-۱- نظارت مستقیم

یعنی مدیر تشکیلات، بدون واسطه و مستقیماً فرایند نظارت را بپیماید. البته این کار در یک جامعه بزرگ امکان پذیر نیست ولی گاهی اوقات و به صورت تصادفی یا اصطلاحی برشی، می‌تواند این اثر خوب را داشته باشد که مدیران مربوطه بیش از پیش مراقب اعمال و رفتار خود باشند چرا که این احتمال عقلایی وجود دارد که بازرسی بعدی از ایشان صورت بگیرد. در عین حال این کار نشانه توجه مدیر نسبت به زیر مجموعه خود است و می‌تواند موجبات دلگرمی و رضایت‌مندی مدیران وظیفه مند را فراهم آورد. این روش در شیوه مدیریتی پیامبر اسلام (ص)

و حضرت علی (ع) به وفور مورد استفاده قرار می‌گرفته است. در روایتی پیامبر اکرم (ص) به فروشنده دستور داد که جنس خوب و بد را از هم جدا کند و بعد فرمود: در دین ما غش و گول زدن جایز نیست. امیرمؤمنان علی بن ابیطالب (ع) نیز عادت داشت که هر روز صبح به یکایک بازارهای کوفه سر می‌زد در حالی که تازیانه‌ای دوشاخه به نام سببه به همراه داشت. در هر بازاری می‌ایستاد و با صدای بلند مردم را به کردار نیک سفارش می‌کرد و از نزدیک به بررسی امور می‌پرداخت. (ولی‌خانی، ۱۳۷۹، ۶۳)

۲-۱-۲-۲- نظارت و کنترل غیر مستقیم و آشکار

برای پوشش ضعف‌های نظارت مستقیم حاکم، نیاز به این نوع از نظارت است که یا شخصی خاص و مورد اعتماد یا سازمانی برای این کار تاسیس می‌شود. یکی از نمونه‌های معروف، مامور کردن مالک بن کعب از سوی حضرت علی (ع) برای این کار مهم است. آن حضرت به مالک بن کعب که یکی از فرمانداران ایشان در منطقه «عین التمر» بود، نامه‌ای نوشت و به او دستور داد تا به عراق برود و بر عملکرد کارگزاران امام (ع) در آن منطقه نظارت کند و نتیجه کار خود را به اطلاع ایشان برساند. (خدمتی، ۱۳۸۴، ۳۹)

۲-۲-۲- نظارت و کنترل پنهان

«همانا افراد زرنگ، راه جلب نظر و خوش‌بینی زمامداران را با ظاهرسازی و خوش‌خدمتی، خوب می‌دانند، در حالی که در ورای این ظاهر جالب و فریبنده، هیچ‌گونه خیرخواهی و امانتداری وجود ندارد.» (نهج البلاغه، نامه ۵۳) بنابراین لزوم نظارت‌های مخفی مشخص می‌گردد. دقت در نامه‌هایی که امیرالمؤمنین (ع) به کارگزاران و عمال خود در مناطق مختلف نوشته است، بیانگر این حقیقت است که امام (ع) همواره عده‌ای را به عنوان ناظر و مامور مخفی و سری خود معین می‌کرده است تا آنها بر عملکرد کارگزاران حضرت و مسئولان مختلف حکومتی، کنترل و نظارت کنند و نتیجه این کار خود را به ایشان گزارش کنند. به عنوان مثال، ایشان در ابتدای نامه‌های خود به عده زیادی از کارگزاران خود می‌نویسند: در مورد تو این گونه به من گزارش رسیده است. یا اینکه در مورد شما به من خبر رسیده است، یا فرستاده من درباره تو چنین اطلاع داد و یا در یکی دیگر از نامه‌ها می‌نویسد: فرستاده من قضیه شگفتی را برایم گزارش کرد. (نهج البلاغه، نامه‌های ۶۳، ۶۰، ۷۱ و ۴۳)

آثار ماموران مخفی غیر از ماموران آشکار است و هر کدام کارکرد خودشان را دارند. خود حضرت بعد از آنکه به مالک اشتر سفارش می‌کند که همواره ماموران مخفی داشته باشد، در مورد آثار آن می‌فرماید: نظارت پنهانی و سری تو، موجب ترغیب و تشویق آنان (کارکنان) به امانت‌داری و مدارا با مردم می‌شود. (نهج البلاغه، نامه ۵۳) نکته آخر آنکه جاسوسان و ماموران مخفی حکومت که به عنوان شبکه عیون شناخته می‌شدند بر اساس قاعده‌ی قرآنی «و لا تجسسوا» برای کنترل مردم عادی به کار گرفته نمی‌شدند چه اینکه در غیر اینصورت سیستم حاکمیت به سمت نظام پلیسی و اقتدارگرا پیش می‌رفت. این سازماندهی نظارتی صرفاً برای عمال و دستگاه‌های حکومتی بود تا بر خلاف منافع جامعه‌ی اسلامی و مردم آن رفتار نکنند.

۳- نظارت در سایر بخش‌ها

از آنجا که در نظارت‌های منشعب از حاکم اسلامی، سرچشمه نظارت، یا معصوم است یا کسی است که با ویژگی‌های خاص و بسیار سختگیرانه تعیین شده است احتمال تبانی و فساد سیستماتیک از بین می‌رود یا ضعیف می‌شود. ولی در سایر بخش‌ها؛ موضوع این است که امکان فساد نهاد ناظر کم نیست بنابراین لازم است که بر ناظر هم ناظر تعیین شود و بازم به همین ترتیب و نهایتاً دچار تسلسل خواهیم شد. از این رو ناچاریم در جایی این نظارت را قطع کنیم. از طرف دیگر، نظارت باید بومی شود. یعنی همان نظارتی که در مکان و زمانی به خوبی جواب می‌دهد ممکن است در مکان و زمانی دیگر پاسخ متفاوتی را بدهد. مثلاً سابقاً گمان می‌شد که هر چه از تمرکز اداره به سمت عدم تمرکز حرکت کنیم توسعه سیاسی رشد پیدا کرده و فساد کاهش می‌یابد اما تحقیقات جدید نشان می‌دهد که در عمل اینگونه نیست. فرد ریگز در الگوی منشوری خود تبیین می‌کند که در کشورهای توسعه یافته هر چه به سمت عدم تمرکز حرکت کنیم یعنی وظایف را تخصصی و چند وظیفه را به چند دستگاه بدهیم یکپارچگی جامعه بیشتر شده و علایم فساد کاهش می‌یابد. اما همین عمل در کشورهای غیر توسعه یافته نتایج متفاوتی را به بار می‌آورد. هر چه به سمت عدم تمرکز پیش می‌رویم درهم ریختگی جامعه بیشتر شده و نشانه‌های فساد رو به تزايد می‌نهد. حتی علاقه‌مندی به خودمختاری ایجاد می‌شود چون ممکن است هنوز عقلانیت عدم تمرکز و فهم مناسب از منافع ملی وجود نداشته باشد. (معمار زاده طهران و همکار، ۱۳۹۲، ۷۷ تا ۸۱)

بنابراین در این بخش از نظارت نمی‌توانیم مدل مشخصی را به عنوان نظارت ارایه کنیم. البته کلیات نظارت‌های لازم در اسلام مشخص شده است. به این ترتیب که باید نظارت داشت تا اولاً انسانهای متعهد و متخصص در مجاری امور باشند زیرا اصل لیاقت و شایستگی از اصول مسلم اداره یک جامعه مطلوب دینی است. در مقدمه‌ی قانون اساسی در بحث شیوه حکومت در اسلام آمده است که براساس تلقی مکتبی صالحان عهده دار حکومت می‌گردند. منظور از لیاقت و شایستگی یعنی تعهد و تخصص توأمان. در قرآن کریم، سوره یوسف، حضرت یوسف (ع) در ارتباط با منصوب شدن به وزارت خزانه‌داری می‌فرماید: «به درستی که من نگاهدارنده‌ی کاروانم.» که اشاره به امانت و دانایی دارد یعنی همان تعهد و تخصص. ثانیاً نظارت‌ها متناسب با کار مربوطه متفاوت هستند و شکل یکسانی ندارند. در برخی به دلیل حساسیت‌هایش، بیشتر و در برخی کمتر. حضرت علی (ع) در نامه‌ی معروف خود به مالک اشتر حاکم مصر، جامعه را به نه طبقه تقسیم می‌کند که چهار گروه آن حکومتی‌ها هستند: سپاهیان خدا، دبیران (که در نوشتن نامه‌های عمومی و یا محرمانه کار می‌کنند)، قاضیان عادل، کارگزاران با انصاف و مهربان. سپس باقی مردم را اینچنین تقسیم می‌کند: کسانی که در ذمه‌ی حکومت اسلامی هستند و جزیه می‌پردازند. مسلمین که مالیات می‌پردازند. بازرگانان و صنعت‌گران و نهایتاً طبقه‌ی پایین جامعه یعنی نیازمندان و دردمندان. ثالثاً در این بخش هم چنانچه در بحث نظارت حاکم بر منصوبان توضیح داده شد باید ناظرین آشکار و مخفی برای کنترل زیردستان گمارد.

از طرف دیگر باید به این نکته توجه داشت که مهمتر از نهاد ناظر، بازتعریف درست از دستگاه‌های نظارت شونده هستند. یعنی سیستم‌های حکومتی به گونه‌ای تعریف شوند که احتمال تباهی در آنها پایین باشد تا جلوی

تولید فساد گرفته شود. مثلاً زمانی که وضعیت حقوقی عادلانه‌ای در میان کارکنان بخش‌های مختلف وجود نداشته باشد. کارمند یک دستگاه دست به مقایسه‌ی وضعیت خود با کارمند هم رده‌ی خود در دستگاه دیگر می‌زند و در صورت وجود تفاوت‌های ناعادلانه، هم انگیزه‌های کاری و سازمانی اش کاهش می‌یابد و هم مستعد جبران این وضعیت از طرق غیر قانونی می‌شود.

۴- نظارت‌های دورنی

این نوع نظارت از نظارت‌های ویژه نظامات الهی است. همه‌ی انسان‌های شریف و معقول عالم، جدای از نوع مرام و مسلک خویش، ممکن است انجام برخی از امور را دون شان خود بدانند. مطالعه زندگی بسیاری از حکما و دانشمندان جهان، این موضوع را به انسان القا می‌کند که رفتار خوب ایشان و جنایتکار نبودنشان نه به خاطر کنترل‌های بیرونی بلکه بخاطر طبع و منش درونی ایشان بوده است. مفهوم اصیل زاده در تاریخ غرب، نیز موید همین مطلب است. یعنی برخی از افراد به دلیل اینکه خود را اصیل زاده می‌دانستند از انجام برخی از کارها اجتناب می‌کردند.

دو چیز دست مایه اصلی فساد است. قدرت و ثروت. هر دو آنها در علمای شیعه جمع بوده است خصوصاً از دوره صفویه به بعد که از یک سو همراه با نفوذ جدی علمای شیعه در دربار شد و از سوی دیگر با عمیق شدن بحث اعلییت، موجب تجمع وجوهات شرعی در دست یک نفر به عنوان مجتهد اعلم شد. اما با این وجود هیچ شاهد تاریخی دال بر اینکه مراجع تقلید و علمای طراز اول شیعه به فساد و خون ریزی متهم شده باشند در دست نیست که این موضوع به کنترل‌های درونی ایشان برمی‌گشت. بنابراین به نظر می‌رسد بجای نفی این خصوصیت بشری باید به تقویت آن اندیشید و ماهیت و چند و چون آن را مورد شناسایی قرار داد.

حسن این نوع نظارت در این است که نیاز به پلیس بیرونی ندارد و خود انسان از درون مراقب رفتار خویش است و از انجام فساد و تباهی دوری می‌گزیند. ولی اشکال آن در این است که چگونه باید آن را مورد شناسایی قرار دهیم و به وجود آن در شخص اطمینان پیدا کنیم. عواملی چند در این ارتباط می‌تواند به عنوان راهنما باشند. البته هر کدام از آنها به تنهایی کافی نیستند ولی مجموع آنها می‌تواند این موضوع را تا حدودی بر انسان مکشوف کند و حداقل آنکه کسی که این اوصاف را دارد می‌تواند بر کسی که این اوصاف را ندارد برتری و رجحان داشته باشد.

۴-۱- علوم بشردوستانه

معمولاً دانش و علوم آدمی بر رفتارش نیز تاثیر می‌گذارد. فهم انسان تا حدود زیادی با اندوخته‌های ذهنی او ارتباط دارد. البته انسان موجودی چند بعدی و پیچیده است و رفتارش هم معلول عوامل متعدد می‌باشد. ولی به تعبیر ضرب المثل معروف فارسی، از کوزه همان برون تراود که در اوست. مثلاً احتمال عقلایی اینکه کسی که دندان پزشک هست به دندان‌های خود توجه نماید زیاد است. یا اگر کسی معتقد به عقاید تکفیری باشد احتمالاً بیشتر مستعد رفتار خشونت آمیز بر علیه دیگر عقاید است. به همین ترتیب اگر کسی در طول سالیان زندگی خود و آثار و

سخنانش همواره بر حقوق بشر، رفتار مسالمت آمیز، تحمل عقاید دیگران، مهربانی، دوستی با خلقت و... تاکید کند باید منش انسان دوستانه اش بر سایر رفتار او بچربد. لذا تحصیل در علوم بشر دوستانه مانند حقوق بشر، فقه و متون الهی مشفقانه، متون فلسفی آزادی خواهانه و... می تواند مویدی بر رفتار صلح جویانه و دور از فساد انسان باشد.

۴-۲- نوع نگرش حاکم

وقتی شعار حکومت، خدا شاه میهن باشد طبیعتا جایگاهی برای مردم قائل نخواهد بود. در گذشته، پادشاهان حکومت را حق خود می دانستند و بر مبانی مختلف، مردم را مکلف به اطاعت می کردند. لذا اگر هم پادشاهی در حق مردم کار نیکی می کرد نه از روی تکلیف و ضرورت های اجتماعی بلکه به عنوان صله و لطف پادشاه بر بندگان بود. به عکس وقتی اعتقاد این باشد که حکومت امانتی خدا داد است یا چیزی است که از طرف مردم اعطا شده یا اینکه به هر صورت حکومت، ملک طلق حاکم نیست طبعا بر روی نوع برخورد شخص حاکم با مردمان هم اثرگذار خواهد بود.

۴-۳- احساس شخصیت اخلاقی و شرافت خانوادگی

امام هادی (ع) می فرماید: کسی که نزد خودش احساس شخصیت نکند از شر او ایمن مباش. (حرانی، ۱۳۶۲، ۴۸۳) بنابراین افرادی که به هنجارهای اجتماعی مورد قبول عقلای جامعه خود احترام نمی گذارند و در پرونده آنها تخلفاتی از این دست وجود دارد طبعا نمی توانند قابل اعتماد باشند. همچنین شرافت و اصالت خانوادگی و در اصطلاح، بزرگزادگی هم می تواند بر رفتار انسان تاثیر بگذارد. حضرت علی (ع) در مورد ویژگی کارکنان دولتی خطاب به مالک اشتر می نویسد: «با حیا و از خاندان های اصیل و باتقوا باشند که در مسلمانی سابقه درخشانی دارند.» (نهج البلاغه، نامه ۵۳) همچنین حضرت در نامه ای خطاب به منذر ابن جارود عبدی که بر بعضی از شهرهای فارس از جانب آن حضرت حکم رانی داشت و مرتکب خیانت و فساد مالی شد، به تأثیر سوابق خانوادگی بر رفتار سیاسی افراد اشاره می کند و می فرماید: «نیکی پدرت مرا فریب داد و گمان کردم که تو هم از روش او پیروی می نمایی و به راه او حرکت می کنی. پس ناگاه به من خبر رسید که خیانت کرده از سیره پدر و خانواده ات عدول نموده ای.» (نهج البلاغه، نامه ۷۱) معنای مخالف این جمله آن است که علی الاصول باید سوابق خانوادگی بر رفتار اجتماعی افراد اثر گذار باشد.

۴-۴- گذشته ی فرد

اگر چه آدمی در هر حال قدرت تغییر و تحول در خویشتن را دارد. خصوصا دوران جوانی که پر از فراز و نشیب است. ولی به طور کلی در بسیاری از موارد؛ انسان شریف در تمام عمر خود با شرافت زندگی می کند و انسان شرور هم به همین ترتیب. این بدان معنا نیست که انسان معقول، مرتکب هیچ خلافتی نمی شود یا انسان خلاف کار مرتکب هیچ عمل نیکی نمی شود بلکه یعنی برآیند زندگی فرد، شرافتمندانه یا شرورانه ارزیابی می شود. خصوصا اینکه مجرب است پس از میانسالی تغییرات آدمی با کندی مواجه می شود و علم روانشناسی هم بر این امر

صحه می‌گذارد که افراد در سنین بالاتر محافظه کار می‌شوند و ترجیح می‌دهند وضعیت موجود خود را حفظ کنند. لذا با مطالعه‌ی گذشته‌ی فرد می‌توان تا حدودی به میزان خودکنترلی شخص پی برد.

۵- نظارت‌های بیرونی

با مراجعه به دوران صدر اسلام مواجه با اصطلاحاتی می‌شویم که حاکی از نظارت‌های بیرونی جدی بوده است. اصطلاحاتی مانند ماموران حسبه (از تشکیلات اداری و دینی در حکومت‌های اسلامی که ناظر بر امور اقتصادی، اجتماعی، مذهبی و بهداشتی است)، امر به معروف و نهی از منکر، نصیحه لائمه المسلمین، شورا و مشورت، تعزیر، شبکه عیون و چشمهای خبر رسان، عریف (کسی که عهده دار امور قبیله یا گروهی از مردم است و حاکم از طریق او از اوضاع و احوال آنان خصوصاً بحث زکات مالی مطلع می‌شود)، نقیب (کسی که درباره قومی بحث و کنجکاو می‌کند و احوالشان را به دست بیاورد) و...

اینها از آن جهت است که عقلاً نمی‌توان امور حکومتی را به حال خود وا گذاشت و بعد انتظار بهبود شاخصه‌های جامعه‌ی مطلوب را به انتظار نشست. البته «نظارت درونی و احساس حضور در محضر حق مانع از تخلف انسانها می‌شود اما این عامل در همه انسانها به قدر کافی وجود ندارد. بنابراین نظارت بیرونی از اهم مسایل تمامی جوامع بشری است.» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۷۵)

۵-۱- امر به معروف و نهی از منکر

نظارت همگانی در همه سطوح مطرح است و حتی در سطح حکومت کنندگان هم نسبت به یکدیگر از این حق برخوردارند. مقام رهبری در دیدار مسئولان و کارگزاران جمهوری اسلامی ایران در مورخه ۷۹/۴/۱۹ می‌گوید: «طرف امر به معروف و نهی از منکر فقط طبقه‌ی عامه‌ی مردم نیستند؛ حتی اگر در سطوح بالا هم هستند، باید امر به معروف شوند؛ نه اینکه از او خواهش کنید؛ امر و نهی باید با حالت استعلاء باشد. البته این استعلاء معنایش این نیست که آمران حتماً باید بالاتر از مأموران، و ناهیان بالاتر از منهیان باشند؛ اما روح و مدل امر به معروف، مدل امر و نهی است؛ مدل خواهش و تقاضا و تضرع نیست.» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۷۹) امام علی (ع) در وصیت خود به امام حسن (ع) فرمود: امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید که در آن صورت اشرار جامعه‌تان بر شما حکومت خواهند یافت سپس هر چه دعا کنید و از خدا یاری بطلبید مستجاب نخواهد شد. (نهج البلاغه، نامه ۴۷)

۵-۲- حق نصیحت و انتقاد نسبت به حکومت

حضرت علی (ع) می‌فرماید: ای مردم، مرا بر شما و شما را بر من حقی واجب شده است ... و اما حق من بر شما این است که... در آشکار و نهان خیرخواهی کنید ... (نهج البلاغه، خطبه ۳۴) نیک پیداست که یکی از بهترین راه‌های خیرخواهی، نصیحت و انتقاد مشفقانه است. پیامبر اکرم (ص) یکی از خصلت‌های مسلمان را نصیحت پیشوایان مسلمین می‌داند. (کلینی، ۱۳۹۵، ۴۰۳) انتقادات و نظرات صریح و بدون واسطه و رو در روی مسلمین (چهره به چهره) در صدر اسلام نسبت به شخص اول حکومت معروف است. حضرت علی (ع) در عهدنامه معروف خود به مالک اشتر می‌نویسد: یاران و نگهبانان و پاسداران خود را از آن مردم دورکن، تا نماینده و سخنگوی مردم بتواند بدون ترس و بدون لکنت زبان، حرفهای خودش را بگوید. (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

۳-۵- شور و مشورت

توصیه‌های اکید دین اسلام و قرآن کریم بر شور و مشورت، در واقع باعث ایجاد نوعی نظارت می‌شود. یعنی از این طریق متوجه ذهن و تصمیم رهبران خود می‌شوند و در غالب گفتن نظرات خویش، به نوعی نظارت خود را اعمال می‌کنند. این کار در امور شخصی افراد، اختیاری است ولی در امور حکومتی، به شکل سنت پیامبر و امامان معصوم درآمده است. اهمیت این روش در تفکر شیعی تا آنجا است که اگر انجام نشود ممکن است موجبات خروج از عدالت را برای حاکم اسلامی فراهم کند. حتی پیامبر اسلام که به اعتقاد مسلمانان معصوم و بری از اشتباه بوده است در موارد متعدد برای پیشبرد امور از این روش استفاده می‌کردند. البته نه از این باب که پیامبر خداوند به عنوان انسان کامل، بخواهد چیزی را از دیگری بیاموزد بلکه از آن جهت که پیامبر (ص) الگو و اسوه‌ی حسنه برای مسلمین است و می‌خواهند شیوه‌ی حکومت در اسلام را تعلیم دهند.

۴-۵- نظارت علما و مراجع دینی

«الا ای تاریخ! سوگند به شکافنده‌ی بذر و آفریننده جان، اگر نبود حضور فشرده مردم برای بیعت، و عهدی که خدای از عالمان گرفته است که بر شکمبارگی ستمگر و محرومیت ستم‌دیده «صح» نگذارند، حتماً افسار خلافت را رها می‌کردم.» (نهج البلاغه، خطبه ۳)

نقش هادویت و مصلحیت جامعه برای فقهای شیعه در بسیاری از نقاط تاریخ، تثبیت شده است. دکتر علی شریعتی در مصاحبه حسینیه ارشاد در مورخه ۱۳۵۰/۹/۲۳ می‌گوید: «تمام قراردادهای استعماری را کسانی که امضاء گذاشته‌اند همگی از میان ما تحصیل کرده‌های دکتر و مهندس و لیسانسیه بوده‌اند و همین ما از فرنگ برگشته‌ها. یک آخوند، یک از نجف برگشته اگر امضایش بود من هم مثل شما اعلام می‌کنم که: آخوند دوست ندارم! اما از آن طرف، پیشاپیش هر نهضت ضد استعماری و هر جنبش انقلابی و مترقی، چهره یک یا چند آخوند را در این یک قرن می‌بینم. از سید جمال بگیر و میرزا حسن شیرازی و بشمار تا مشروطه و...» (رزمجو، ۱۳۷۳، ۴۵)

۵-۵- حق مراقبت و نظارت مردم بر حکومت

نظر به شورویه بودن اصل سلطنت اسلامی، چنانچه سابقاً مبین شد، عموم ملت از این جهت که مالیاتی از برای اقامه مصالح لازمه می‌دهند، حق مراقبت و نظارت دارند. (نائینی، ۱۳۶۱، ۷۸ تا ۷۹) بنابراین از نظر عقلی می‌توان اثبات کرد که مردم حق نظارت بر حکومت را دارند. سنت معصومین هم تأیید کننده این دیدگاه است. یعنی نظر دادن و حق اعتراض در زمان حکومت پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) به صورت سنت درآمده بود و این نشان می‌دهد که برای مردم حق مراقبت از والیان را قایل بودند. زیرا در حکومتی که نظارت مردم بر حاکمان، خدشه‌ای بر نظام سلطانی محسوب شود با نصیحت کنندگان مانند مجرم برخورد می‌شود در حالی که در هیچ کجای تاریخ حکومت ائمه و پیامبران چنین مجرمینی گزارش نشده‌اند.

۶-۵- دائمی نبودن مسئولیت‌ها

نمی‌توان ملاک مشخصی به دست داد که مطابق اصول دینی حتماً باید مدیریت‌ها برای یک دوره زمانی خاص باشد. معمولاً به جای محدودیت زمانی، از شیوه کنترل به شرایط استفاده می‌شده است. یعنی تا زمانی که شخص مدیر؛ به کارها مسلط بود و امور را به درستی پیش می‌برد لزوم جدی بر جابجایی او احساس نمی‌شد. حتی مدیر یک روزه هم وجود داشته است. یکی از قضات حکومت حضرت علی (ع)، به نام ابوالاسود دوئلی، بر اثر خشونت با مردم در همان روز اول مسئولیت برکنار شد. (احسائی، ۱۳۶۳، ۳۴۳) ولی با این حال برخی از جابجایی‌ها در حالی صورت می‌گرفت که مقام متصدی آن مرتکب خلاف و اشتباهی هم نشده بود. یعنی شخص را برای مدت محدودی در یک پست نگه می‌داشتند. امام علی (ع) در این خصوص خطاب به عمر بن ابی سلمه مخزومی (زماندار بحرین) هنگامی که او را برای همراهی خود، در جنگ با دشمن فراخواند و فرد دیگری را به فرمانداری آن جا منصوب کرد می‌فرماید: «اما بعد، من نعمان بن عجلان زرقی را فرماندار بحرین قرار دادم، و اختیار تو را از فرمانداری آن‌جا برگرفتم، بدون این‌که این کار برای تو مذمت و ملامت دربرداشته باشد؛ چرا که تو زمانداری را به نیکی انجام دادی و حق امانت را ادا نمودی...» (نهج البلاغه، نامه ۴۲)

۷-۵- نظارت‌های سازمانی

یک از مهمترین نظارت‌ها نظارت‌های سازمانی است. یعنی لازم است در هر سازمانی، بخشی را به عنوان حراست و کنترل و نظارت داشته باشیم تا بر حسن جریان امور واقف باشد. بدیهی است که با وسعت و پیچیدگی سازمانهای موجود، امکان نظارت مستقیم برای حاکم مگر در موارد خاص وجود ندارد و بهمین دلیل نیاز به وجود دستگاهها و سازمانهای مختلف پیدا می‌شود. «حضرت علی (ع) با تدبیر و سازماندهی گسترده، همه امور خرد و کلان حکومتی را زیر نظر می‌داشت تا کارگزاران حکومت از مدار قانون و حکم خدا خارج نشوند.» (محمودیان و همکاران، ۲۰۱۵، ۱۹۱) حتی در زمان صدر اسلام از طرف حکومت در هر قبیله؛ فرد یا افرادی به عنوان «عریف و نقیب» به بررسی اوضاع و احوال قبیله می‌پرداختند. (منتظری، ۱۳۶۷، ۳۷۴)

۸-۵- توجه حکومت به گزارشات مردمی

رعایت حق الناس یا همان حقوق مردم از مسلمات دین اسلام است که مسلمانان در آن اتفاق نظر دارند. لذا توجه به نظرات ساکنان جامعه‌ی اسلامی جدای از دین و مکتب آنها مورد اهتمام است. مثلاً در نامه‌ی هجده نهج البلاغه می‌خوانیم که امام علی (ع) در پی گزارش بی‌مهری ابن عباس (یکی از کارگزاران حضرت) به قبیله بنی تمیم، وی را مورد خطاب و عتاب قرار می‌دهد. یا در قضیه اعتراض زنی به نام سوده همدانی در مورد یکی از کارگزاران حکومت علی (ع) که منجر به عزل مدیر مربوطه می‌شود.

۶- نظارت‌های نوین

از نظر فقهی استفاده از تجارب بشری که مخالف اصول دینی نیست و بر پایه خرد جمعی شکل گرفته است در محدوده «منطقه الفراق» قرار دارد و ممدوح و پسندیده است. منطقه الفراق به حوزه‌ای از شریعت اسلامی ناظر است که به سبب ماهیت متغیر آن، شارع وضع قواعد مناسب با اوضاع و احوال و مقتضیات زمان و مکان را با حفظ

ضوابط و در چارچوب معینی به عهده ولی امر گذاشته است. (حکمت نیا، ۱۳۸۱، ۱۰۷) به قول معروف هر چیزی که شرع بر آن حکم می کند عقل هم حکم خواهد کرد و هر آنچه که عقل به آن حکم می کند شرع نیز بر آن حکم خواهد کرد. به شرطی که «شرع حقیقی» و «عقل سلیم» با هم جمع شوند.

۶-۱- ابعاد دولت

یکی از بهترین شیوه‌های کنترل و نظارت و کاهش فساد عوامل حکومتی، متناسب سازی ابعاد دولت است. پس از پایان دوران طولانی پادشاهان لاقید، دولت‌های حداقلی برآمده از مکتب لیبرالیسم شکل می‌گیرند. اینها دخالت دولت در امور مردم را تا حد امکان نفی می‌کنند و معتقدند که بازار راه خود را پیدا خواهد کرد. در اثر این تفکر از یک جهت برخی فسادها کاهش پیدا کرد چون قدرت عمومی در امور مردم حداقل دخالت را داشت اما از طرف دیگر بی عدالتی و ظلم در حق طبقه ضعیف و بی پشتوانه، افزایش یافت و طبیعتاً نظارت بر حکومت هم بر همین مبنا کاهش پیدا کرد زیرا مردم گرسنه و تحت ظلم بازار، به دنبال رفع احتیاجات اولیه خود و کاهش ستم کارخانه داران بودند تا تامل بر نظارت و کنترل دولت. در ادامه با مشخص شدن ضعف‌های دولت لیبرالی، این اعتقاد پدید آمد که نظام حاکم در یک جامعه نسبت به خدمات عمومی هم وظیفه‌مند است. در نتیجه نظریه دولت رفاهی، مطرح شد و ابعاد دستگاه‌های عمومی گسترش یافت و منتهی به دولت حداکثری شد. دولت بزرگ پدیده آمده از این تفکر، در عمل، ناکارآمد شده و توانش صرف این شد که شکم خودش را سیر کند و فساد نیز در جای جای حاکمیت پراکنده شد. قاعدتاً وقتی فساد همه گیر می‌شود کنترل آن هم از دست خارج می‌شود. پلیسی را در نظر بگیرید که با حجم گسترده سبقت غیر مجاز مواجه شده است. جلوی چند نفر را هم زمان با هم می‌توان گرفت؟ طبیعتاً میزان اثرگذاری نظارت و مراقبت، در چنین مواقعی کم رنگ شده و به تاسی از شرایط ناشی از هرج و مرج، کارایی واقعی خود را از دست خواهد داد. در نهایت متفکرین به این موضوع پی بردند که برای اینکه حاکمیت بتواند وظایف خود را به درستی انجام دهد و بر او نظارت امکان‌پذیری هم صورت بگیرد باید از یک طرف جلوی غول دریایی شدن آن را گرفت و از طرف دیگر از کوچک و بی خاصیت شدن هم احتراز شود. یعنی بهترین شیوه، متناسب سازی ابعاد دولت است.

۶-۲- رقابتی شدن امور

انحصار دولتی، ویژه خواری را گسترش داده و نظارت بر بخش‌های زیادی از حاکمیت را با صعوبت و دشواری مواجه می‌سازد. همچنین تا جاییکه امکان دارد باید از تصدی‌گری و اموری که مردم عادی به راحتی توانایی انجام آن را دارند پرهیز کرد تا رقابت سالمی شکل بگیرد و دولت به جای انجام دادن کارها و پارو زدن در کشتی، سامان دادن و هدایت امور و سکان کشتی را بر عهده بگیرد. در چنین شرایطی به دلیل هدر رفتن انرژی دولت در امور غیر ضرور، نظارت‌های حکومتی بهبود می‌یابد. از دیگر سو مردمی که در یک جامعه با اقتصاد سالم زندگی می‌کنند راحت‌تر و بدون دغدغه بر رفتار حاکمیت نظارت خواهند کرد.

۶-۳- مالیات

امروزه یکی از شاخصه‌های مهم دولت مطلوب را شفافیت و پاسخگویی می‌دانند. اما این واژگان زیبا و فریبنده، چگونه به منصفی ظهور می‌رسند؟ «دولت دارای همه‌ی ابزارهای لازم اعم از روش‌های اجبار آمیز و روش‌های نرم، برای تحمیل اراده‌ی خود بر مردم است. اما مردم کمترین قدرت را برای واداشتن قدرت به پاسخگویی دارا هستند. اگر چه فناوری‌های جدید و دنیای مجازی و روش‌های در اصطلاح مخملی، قدرت هر دو طرف را افزایش داده است.» (هداوند، ۱۳۸۷، ۷)

یکی از راه‌های مهم پاسخگو بودن حاکمیت این است که مخارج دولت از راه مالیات تامین گردد. وقتی مردم حس کنند که مبلغ قابل توجهی از درآمد و جیب آنها برای تامین هزینه‌های دولت است نسبت به فسادهای حکومتی حساس‌تر می‌شوند و نظارت و انتقاداتشان نسبت به حکم رانان افزایش می‌یابد. دولت نیز متقابلاً خود را مدیون مردم دانسته و تلاش می‌کند تا زیر سوال و فشار افکار عمومی نرود. بعکس وقتی هزینه‌های دولت از منابع ملی چون نفت، گاز، طلا، الماس و ... تامین می‌شود در عمل ریخت و پاش‌ها افزایش می‌یابد. بنابراین زمانی که مردم تامین کننده جیب حاکمان باشند هم از آنان پاسخگویی می‌خواهند و هم این جریان به شفافیت رفتار حکومت نیز کمک خواهد کرد.

۶-۴- توسعه سیاسی و فضای باز

وقتی قانونا فضای مداخله مردم در سیاست و تاثیر واقعی آنها در تصمیم‌گیری‌ها زیاد باشد طبعاً مردم چنین جامعه‌ای بر روی اشتباهات حاکمانشان ساکت نخواهند بود. وقتی حق راهپیمایی بدون خشونت، برپایی اجتماعات موقتی و نیز فعالیت‌های حزبی و روزنامه نگاری و فضاهای آزاد مجازی و حق پیشنهاد قانون به پارلمان یا وتوی قوانین مصوب از طرف مردم وجود داشته باشد طبعاً تاثیر نظارت چنین مردمی؛ خیلی بیشتر از اثر نظارت مردم بدون قدرت و بی تاثیر در سیاست، خواهد بود.

۶-۵- گسترش نهادهای نظارتی مردمی و غیر قضایی

این گونه نظارت‌ها به نام آمبودزمان شناخته می‌شوند. این‌ها تشکیلات مردم نهاد هستند که «ابتدا سعی می‌کنند مشکلات را دوستانه و به طور کدخدانمانه حل و فصل کنند. سپس اختیار صدور توصیه نامه به نهادهای مختلف را دارند تا پاسخگوی تخلف خود باشند. اگر واکنش مثبتی به توصیه نامه داده نشد گزارش سوء عملکرد به پارلمان ارائه می‌شود و حتی ممکن است در دسترس همه‌ی شهروندان قرار گیرد. همچنین می‌تواند تخلف را به محاکم صالح ارسال کند. از دیگر فواید آمبودزمان این است که دارای ارزش روانی برای شهروندان است. زیرا این دلگرمی را دارند که بدون فرایندهای طولانی بروکراسی و تحمل هزینه زیاد، می‌توانند به نهادهای حاکمیتی نظارت کنند. همچنین ممکن است به دلایل سیاسی رسیدگی به یک سوء مدیریت در محاکم صالح معلق مانده باشد که این تشکل‌های مردم نهاد می‌تواند آن را حل و فصل نمایند.» (رستمی، ۱۳۹۱، ۲۳) خوبی دیگر این روش آن است که «اداره و حکومت، شخصا به دعوی خودش رسیدگی نمی‌کند بدین ترتیب این اصل که هیچکس نمی‌تواند قاضی دعوای خویش باشد کاملاً رعایت شده است.» (آقایی طوق، ۱۳۸۶، ۱۲۵)

۷- نمایی از نظارت‌های قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

۷-۱- نظارت‌های درونی

تکیه بر تقوا و عدالت فردی افراد در مناسب حکومتی بسته به جایگاه آنها متفاوت است. برای مقام رهبری با توجه به اصل ۵، ۱۰۷ و ۱۰۹ قانون اساسی، حد عالی توجه به صفات درونی در نظر گرفته شده است. همچنین بر اساس اصل ۱۱۵ قانون اساسی از جمله شرایط رییس جمهور این است که دارای حسن سابقه و امانت و تقوی، مومن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور باشد. مطابق اصل ۱۵۷ قانون اساسی، رییس قوه قضاییه نیز باید از صفت عدالت برخوردار باشد.

در مورد سایر کارکنان نیز مطابق ماده ۴۲ قانون مدیریت خدمات کشوری در بحث شرایط عمومی استخدام، مقرر گردیده مقررات گزینش، که همان قانون گزینش معلمان و کارکنان آموزش و پرورش است به بقیه دستگاه‌ها تسری پیدا نموده و پابرجا می‌باشد. بنابراین به واسطه‌ی این مقررات، صلاحیت‌های اعتقادی و درونی فرد نیز از طرق مختلف مانند مصاحبه، آزمون و تحقیقات محلی بررسی می‌گردد.

۷-۲- نظارت‌های بیرونی

۷-۲-۱- نظارت‌های همگانی

اصل هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بحث امر به معروف و نهی از منکر همگانی را مطرح کرده است و در راستای انجام هر چه بهتر این نوع نظارت، اصل ۵۵ قانون اساسی مقرر داشته که گزارش تفریح بودجه دیوان محاسبات که در ارتباط با حسابرسی حسابهای دولتی است باید در دسترس عموم گذاشته شود. مطابق اصل ۶۹ قانون اساسی مقرر شده است که مذاکرات مجلس شورای اسلامی نیز باید علنی باشد و گزارش کامل آن از طریق رادیو و روزنامه رسمی برای اطلاع عموم منتشر شود. حتی گزارش و مصوبات جلسات اضطراری که غیر علنی است باید پس از بر طرف شدن شرایط اضطراری برای اطلاع عموم منتشر گردد. همچنین بر اساس اصل ۱۲۲ و ۸۴ قانون اساسی رییس جمهور و نمایندگان مجلس شورای اسلامی در برابر ملت مسئول شناخته شده‌اند.

از دیگر ابزارهای نظارت و فشار بر دستگاه‌های حکومتی برای جلوگیری از فسادهای احتمالی، آزادی مطبوعات (اصل ۲۴ قانون اساسی) فعالیت‌های حزبی و گروهی (اصل ۲۶ قانون اساسی) رسانه‌های جمعی (بند دو اصل سه و اصل ۱۷۵ قانون اساسی) تجمعات و راهپیمایی‌ها (اصل ۲۷ قانون اساسی) و نهایتاً یکی از بهترین راهکارها، یعنی نظارت مردم از طریق انتخابات (اصل ۶ قانون اساسی) می‌باشد. همچنین «گسترده‌ترین سازوکار نظارت مدنی که در جمهوری اسلامی ایران برای ایفای نقش نظارتی مردم بر نظام، اعمال می‌شود از طریق شوراهای اسلامی شهر و روستا است.» (علیخانی، ۱۳۸۳، ۱۵۹)

۷-۲-۲- نظارت‌های سازمانی و رسمی

۷-۲-۲-۱- نظارت رهبری

مقام رهبری به عنوان شخص اول در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران نقش راهبردی در مقوله‌ی نظارت دارد. البته نظارت رهبری بیشتر در حوزه سیاست‌های کلان و کلی قابل ارزیابی است که از طریق مجمع تشخیص مصلحت صورت می‌گیرد. (اصل ۱۱۰ قانون اساسی) در عین حال نظارت شرعی رهبری در جمهوری اسلامی ایران محدودیت پذیر نیست و از این جهت با نظر قانون اساسی می‌تواند حتی فوق قانون اساسی^۱ هم باشد. (اصل ۴، ۵ و ۵۷ قانون اساسی)

«به استناد اصل دوم قانون اساسی، اجرای احکام اسلامی در همه امور جامعه و رفتار متقابل مردم و دولت، از طریق اجتهاد مستمر فقهای جامع الشرایط بر اساس کتاب و سنت جنبه عملی پیدا می‌کند. بنابراین، رهبر در جامعه اسلامی، با تشخیص حلال و حرام و دیگر دستورهای الهی، ضامن منحرف نشدن سازمانهای مختلف از وظایف اصیل اسلامی خود است. بر این اساس، در اصل ۵۷ قانون اساسی، قوای سه‌گانه (مقننه، مجریه و قضاییه) زیر نظر ولایت امر قرار گرفته‌اند تا از این طریق، رهبر از سلامت رفتار حکام و کارگزاران مراقبت و پاسداری کند.» (رنجبر، ۱۳۹۶، ۹)

۷-۲-۲-۲- نظارت‌های نوین

نظارت‌های نوین رو به پیشرفت است و هر روز صدای پای راه‌حل‌های بهتر به گوش می‌رسد. اگر چه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در این زمینه پیش رو نیست و دارای اشکالاتی چند می‌باشد اما گام‌های مثبتی هم در این زمینه برداشته شده است که کوچک سازی دولت و واگذاری امور به بخش‌های خصوصی و ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی از سوی مقام رهبری در جهت متناسب سازی دولت از آن جمله است. در عین حال ایجاد دیوان عدالت اداری مطابق اصل ۱۷۳ قانون اساسی برای محافظت از مردم عادی در مقابل قدرت حکومتی، مهم‌ترین گام و تغییر جدی در حوزه حقوق اداری پس از انقلاب اسلامی ایران بوده است. همچنین سازمان بازرسی کل کشور، وظیفه پیگیری حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه‌های اداری را بعهده دارد و حتی به گزارش‌های شهروندان عادی هم در این زمینه ترتیب اثر می‌دهد. (اصل ۱۷۴ قانون اساسی) کمیسیون اصل نود مجلس شورای اسلامی هم در این زمینه وظیفه منحصر به فردی دارد و اگر چه قضایی نیست ولی گزارش‌های رسمی آن برای عموم ملت، فشار زیادی را به دستگاه‌های حکومتی وارد می‌کند.

۷-۳- سایر نظارت‌ها

مطابق قانون اساسی، نظارت‌های سازمانی و رسمی اعم از نظارت‌های قضایی مانند رسیدگی به تخلف رییس جمهور از وظایف قانونی توسط دیوان علی کشور (اصل ۱۱۰ قانون اساسی) و نظارت‌های مالی مثل رسیدگی به دارایی مقامات طراز اول کشور (اصل ۱۴۲ قانون اساسی) و نظارت‌های سیاسی چون سوال و استیضاح رییس جمهور و وزرا در مجلس (اصل ۸۹ قانون اساسی) و نظارت‌های اجرایی مثل نظارت رییس جمهور بر وزرا (اصل

^۱ - بحث ولایت مطلقه فقیه که در اصل ۵۷ قانون اساسی آمده است به همین منظور می‌باشد. البته این بحث بسیار مفصل است و خود نیاز به یک پژوهش جداگانه دارد.

۱۳۴ قانون اساسی) و دیگر نظارت‌ها مانند نظارت خبرگان رهبری بر شرایط رهبری (اصل ۱۱۱ قانون اساسی)، نظارت شورای نگهبان بر انتخابات (اصل ۹۹ قانون اساسی)، و نظارت‌های انتظامی و محیط زیستی و ... است.

۸- نتیجه گیری

بحث نظارت بر حکومت، در نظام برآمده از حاکمیت الهی؛ حداقل در نظر شیعیان، یک واجب شرعی و موکد است. همان خدایی که حاکم مطلق جهان است و دستور داده که از او تبعیت شود امر فرموده که بر حاکمان جامعه نظارت شود.

مرکز ثقل نظارت‌ها در حاکمیت الهی در دست رهبری جامعه قرار دارد. اما مطابق شرایط جدید، نظارت‌های سازمانی و تشکیلاتی قوت بیشتری پیدا کرده است و به دو بخش مهم آشکار و پنهان تقسیم می‌شود که مکمل یکدیگر هستند. نگاه دینی علاوه بر اینکه متذکر می‌شود که خدا ناظر بر افعال و کردار آدمی است تلاش می‌کند تا از طرق مختلف مانند بررسی گذشته افراد و... دست به انتخاب کارگزاران باتقوا و خداترس بزند تا از طریق خودکنترلی، اثر نظارت‌های بیرونی چون امر به معروف و نهی از منکر را به مراتب بیشتر کند. در واقع نظارت‌های درونی که از راه‌های بینشی و اعتقادی و ملکه‌ای و اخلاقی حاصل می‌شود، شرط اولیه و لازم - نه شرط کافی - برای ورود به حوزه‌ی زمامداری در حکومت اسلامی است. همچنین از آنجا که بخشی از نظارت‌ها مانند دیده‌بانی سازمان‌های مردم نهاد و غیر قضایی، ناشی از تجربیات بشری و محصول متفکرین و مصلحان بشری است و مغایر قواعد دینی هم نبوده و عقل؛ بر آنها صحه گذاشته، مورد حمایت و احترام شرع نیز قرار گرفته است. بنابراین این دسته از کنترل‌ها هم می‌تواند در حاکمیت الهی استفاده شود. با این ترتیب مشخص می‌شود که حکومت اسلامی واقعی باید اهتمام ویژه‌ای در نظارت بر اعمال حکومت داشته باشد که برخی از شئون مهم آن در این نوشتار بیان شد.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که ملهم از اندیشه‌های سیاسی شیعیان است ترکیبی از نظارت‌های یاد شده وجود دارد. از یک سو رهبری در صدر هرم حاکمیت قرار گرفته و از نظر شرعی مشروعیت کلیه امور، وابسته به این جایگاه است. از سوی دیگر در اصول متعدد بر نظارت‌های بیرونی و درونی هم تاکید شده است. اما در بخش نظارت‌های نوین دارای کاستی‌هایی است و هنوز به روز و مطابق با نرم‌های امروزی نیست ولی با این حال وجود دیوان عدالت اداری برای مقابله با زیاده خواهی‌های احتمالی قدرت عمومی و نظارت‌های غیر قضایی سازمان بازرسی و کمیسیون اصل نود مجلس، کمک‌کار سایر دستگاه‌های نظارتی است.

منابع

الف: کتب و مقالات

- ۱- آقایی طوق، مسلم (۱۳۸۶). مبانی و ماهیت نظارت قضایی بر اعمال دولت با مطالعه تطبیقی کشورهای فرانسه انگلستان و آمریکا، پژوهش نامه حقوقی، شماره اول، ص. ۱۲۵ - ۱۹۲.
- ۲- احسائی، ابن جمهور (۱۳۶۳). *عوالی الثالی*، جلد دو، قم، دار سیدالشهداء.

- ۳- جعفر پیشه؛ مصطفی (۱۳۸۳). بررسی پارادوکس نظارت و مشروعیت سیاسی، فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۳۳، ص. ۴۵ - ۶۴.
- ۴- حکمت نیا، محمود (۱۳۸۱). تبیین نظریه منطقه الفراغ، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۸، ص. ۱۰۷ - ۱۲۱.
- ۵- حمیدی نیا، حسین (۱۳۸۲). ایالات متحده آمریکا، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- ۶- رزمجو، حسین (۱۳۷۳). پوستین وارونه، تهران، آوای نور.
- ۷- رستمی، ولی و جوکار، فضل‌الله (۱۳۹۱). آمبودزمان نظارت فراقضایی و غیر رسمی مکمل نظارت قضایی، فصلنامه پژوهش حقوقی، شماره ۳۷، ص. ۲۳ - ۴۰.
- ۸- رنجبری، ابوالفضل و مولوی، مهران (۱۳۹۶). نظارت بر اعمال حکومت در جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی، شماره ۲، ص. ۹ تا ۱۷.
- ۹- شیخ الاسلامی، سید محسن (۱۳۸۰). حقوق اساسی تطبیقی، تهران، انتشارات کوشامهر.
- ۱۰- صلاحی، سهراب و بهادری جهرمی، علی (۱۳۹۲). راه‌کارها و ابزار نظارت بر حاکمیت در حکومت اسلامی، دانش حقوق عمومی، شماره ۳، ص. ۵۱ - ۷۲.
- ۱۱- عرفانی، محمود (۱۳۷۳). حقوق تطبیقی و نظامهای حقوقی معاصر، جلد اول، تهران، موسسه انتشارات جهاد دانشگاهی.
- ۱۲- علیخانی، علی اکبر (۱۳۸۳). نظارت در نظام جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه دین و ارتباطات دانشگاه امام صادق (ع)، شماره ۲۳، ص. ۱۵۹ - ۱۸۹.
- ۱۳- قاضی ابویوسف، الخراج، ص ۱۱۸ به نقل از خدمتی، ابوطالب (۱۳۸۴). سیره حضرت علی در مبارزه با فساد اداری، مجله حوزه و دانشگاه، شماره ۴۵، ص. ۳۹ - ۵۹.
- ۱۴- کلینی، ثقه الاسلام (۱۳۹۵). اصول کافی، جلد یک و دو، قم، دارالتقلین.
- ۱۵- معمارزاده طهران، غلامرضا و احمدی، مسعود (۱۳۹۲). مدیریت تطبیقی، تهران، اندیشه‌های گوه‌ربار.
- ۱۶- منتظری، حسینعلی (۱۳۶۷). مبانی فقهی حکومت اسلامی، جلد چهارم، ترجمه محمود صلواتی، نشر کیهان.
- ۱۷- موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸). صحیفه امام، جلد هشت و دوازده، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار.
- ۱۸- نائینی، محمدحسین (۱۳۶۱). تنبیه الامه و تنزیه المئه، مقدمه و توضیحات به قلم سیدمحمود طالقانی، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- ۱۹- هداوند، مهدی (۱۳۸۷). طرحی برای توسعه‌ی حقوق اداری و ارتقاء نظارت قضایی، فصلنامه حقوق اساسی، شماره ۹، ص. ۷ - ۵۶.

ب: منابع اینترنتی

- ۲۰- اعرافی، علیرضا (۱۳۸۷). نگرش به حکومت و مدیریت از منظر امام علی (ع)، کتابخانه دیجیتالی موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان

<http://library.tebyan.net/fa/Viewer/Text/83732/1>

۲۱- آملی لاریجانی، صادق (۱۳۹۴). جلسه مسئولان عالی قضایی، سایت قوه قضاییه

<http://www.dadiran.ir>

۲۲- حسینی خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۵، ۱۳۷۹ و ۱۳۹۰). پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام رهبری

<http://www.leader.ir/fa>

۲۳- حرانی، حسن بن شعبه (۱۳۶۲). *تحف العقول*، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه، مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات حوزه علمیه قم

<http://www.andisheqom.com>

۲۴- خجسته، رحیم (۱۳۹۴). نگاهی اجمالی به نظام انتخاباتی آلمان، خبرگزاری صدا و سیما

<http://www.iribnews.ir/fa/news/1018496>

۲۵- کنز العمال، ج ۴، ص ۹۰ به نقل از ولیخانی، ماشاء الله (۱۳۸۶). «کنترل و نظارت از دیدگاه حضرت علی علیه السلام»، *مجله بازتاب اندیشه*، شماره ۹، سایت حوزه علمیه قم

<http://www.hawzah.net/fa/Article/View/45743>